

جغرافیا و کارکردگرایی با تاکید بر جغرافیای روستایی*

دکتر تیمور آمار

استادیار گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت

E-mail: amar@iaurasht.ac.ir.com

چکیده

بررسی کارکردی یکی از ابعاد سه‌گانه مطالعه یک پدیده (علاوه بر ساختار و تاریخ) به‌شمار می‌رود. نگرش به یک پدیده از زاویه کارکردی و تعمق در آنها بر این مضمون باعث پیدایش مکتب کارکردگرایی در مباحث علمی شد. زمینه پیدایش این مکتب در علوم اجتماعی مغرب زمین به وجود آمد و سپس این تفکر در علوم دیگر به‌ویژه در جغرافیا تعمیم یافت. این مقاله می‌کوشد تا ضمن بررسی مفهوم کارکردگرایی، سابقه شکل‌گیری و انواع کارکردها، به تبیین جایگاه این مکتب در جغرافیا بالاخص جغرافیای روستایی بپردازد. یکی از جنبه‌های مهم این بررسی آن است که نگرش کارکردی در مطالعات روستایی به ما کمک می‌کند که ضمن شناخت فعالیت‌ها و روابط درونی این جوامع، مکانیزم تأثیرپذیری و اثرگذاری آن‌ها را در مقیاس ناحیه‌ای و ملی دریافت نماییم.

واژگان کلیدی: کارکرد، کارکردگرایی، کارکردگرایی و جغرافیا، جغرافیای روستایی.

۱. مقدمه؛ معنی و مفهوم کارکرد

تبیین یا تعریف پدیده‌ها از سه جنبه مهم مد نظر قرار می‌گیرد که مطالعه و بررسی این سه جنبه برای شناخت بهتر و عمیق‌تر پدیده لازم و ضروری است. این سه جنبه عبارتند از: تاریخ، ساختار و کارکرد. تغییرات کلی پدیده در طول زمان را «تاریخ» آن می‌نامیم با ذکر این نکته که منظور از تاریخ صرفاً سابقه و گذشته پدیده نیست بلکه علاوه بر زمان گذشته به وضعیت حال و آینده آن نیز مربوط است. ساختار یک پدیده در تعریف به رابطه یا ساختمان مشخص گفته می‌شود که به زیرمجموعه‌های یک پدیده، سازمانی معین می‌دهد بدین گونه که از آن‌ها همان

* تقدیم به: روح بلند و ملکوتی «دکتر حسین شکویی» که در تبیین مباحث فلسفی و نظری در جغرافیای ایران نامی جاودانه یافت.

تکنولوژی، سرمایه و ... در نظام بخشیدن به این فعالیت. کارکرد بیرونی کشاورزی نیز عبارت است از جایگاه آن در نظام اقتصادی کشور، نقش آن در تولید، اشتغال و ارزآوری و ... که در واقع بررسی وضعیت آن در رابطه با پدیده بزرگ تر یعنی پیکره کلی اقتصاد می باشد. نوعی دیگر از تقسیم بندی ها که در تحلیل کارکردی اهمیت به سزایی دارد، وجود کارکردهای آشکار^۱ و پنهان^۲ در یک پدیده است. کارکردهای آشکار آن دسته از کارکردهاست که آشکارا در نظام، نقشی ایفا می کنند و تأکید وجود آن ها به هیچ گونه تجسس و تعبیر خاصی نیاز ندارد. مثلاً وظیفه نظام مالیاتی برآوردن هزینه های دولت اما ممکن است غیرمستقیم با تعدیل ثروت ارتباط داشته باشد. کارکردهای پنهان بر نتایج نامرئی و آثار غیر منتظره و غیر قابل رویت عادات و رسوم اجتماعی دلالت دارند.^۳

لیکن باید گفت که هر دو نوع کارکرد همواره حضور دارند زیرا آثار و نتایج آن ها محرز است. وجود کارکردهای پنهان حاکی از این است که دگرگونی و انسجام اجتماعی حداقل تا حدودی غیرقابل کنترل و طرح ریزی است و تشخیص آن ها ساده نیست زیرا هر کجا کارکردی نامرئی وجود داشته باشد می تواند آثار و نتایج شناخته شده و پیش بینی شده را دگرگون کند و آثار دیگری به جز پیامدهای مورد نظر به بار آورد (توسلی، ۱۳۷۰: ۲۲۲).

مارک آبراهامسون^۴، جامعه شناس، کارکردگرایی را در سه نوع مشخص بر می شمارد. نخستین نوع کارکردگرایی فردگرایانه^۵ است که بر نیازهای کنش گران و انواع ساختارهای بزرگی که به عنوان پاسخ های کارکردی به این نیازها پدیدار می شوند تأکید می شود. نوع دوم کارکردگرایی فیمابینی^۶ است که بر روابط اجتماعی، به ویژه مکانیزم هایی که برای سازگاری با فشارهای موجود در این روابط به کار برده می شوند تأکید می گردد. نوع سوم کارکردگرایی اجتماعی^۷ است که بیشتر به ساختارهای اجتماعی و نهادهای گسترده جامعه روابط داخلی میان آن ها و نیز تأثیرات آن ها روی کنش گران توجه دارد (ریترز، ۱۳۷۹: ۱۲۰).

در تأثیرگذاری کارکردها بر وحدت و انسجام اجتماعی، آن ها را به دو اصطلاح کارکرد مناسب و نامناسب^۸ تقسیم می کنند (در برخی منابع تحت عنوان کارکرد مثبت و کژ کارکرد یا کارکرد منفی ذکر شده است ن. ک. به منبع قبلی ص ۱۴۵) به آثار و نتایج مثبت کارکرد می توان عنوان فنکسیون داد. مفهوم کارکرد نامناسب (دیسفونکسیون) بیانگر این فکر است که یک ساخت ممکن است تأثیر بیمارگونه بر نظام داشته باشد تأثیری که به جای بهبود بخشیدن به تضعیف وحدت و انسجام نظام منجر شود (توسلی، ۱۳۷۰: ۲۳۷).

1- Latent functions

2- Manifest functions

۳- در برخی کتب معادل لاتین اصطلاح کارکردهای پنهان و آشکار .F. intended و .F. unintended می باشد. (ن. ک. به ریترز) اصطلاح کارکرد آشکار و پنهان از رابرت مرتون است. او خود معتقد است کارکردهای آشکار با قصد قبلی و نوع پنهان بدون قصد قبلی انجام می شود.

4- M. Abrahamson

5- individualistic functionalism

6- interpersonal functionalism

7- social Functionalism

8- Functional, Dis function

در راستای سازماندهی به محیط کارکردها به دو عنوان کلی عینی^۲ و انتزاعی^۱ تقسیم می‌شوند که زاک شبلینگ این دو نوع کارکرد را این‌گونه تعریف می‌کند: عملیاتی که ماده را به کار می‌گیرد و یا آن که با امر تولید سروکار دارد عینی خوانده می‌شود و در وهله اول به امر ساخت مربوط می‌شود و عبارت‌است از شکل بخشیدن، کارخانه‌ای کردن، قطعه‌بندی کردن، سوار کردن، جمع کردن. آن‌گاه به امر آماده‌سازی در تولید می‌رسد. در این‌جا موضوع، کارهایی است که بیش از این دستی خوانده می‌شد و امروزه جای خود را به تکنولوژی و استفاده روزافزون از آن داده است (شبلینگ، ۱۳۷۷: ۱۹۸ و ۱۹۹).

در نقطه مقابل فعالیت‌های مرتبط با کاربرد علایم انتزاعی و ارتباطی در سازماندهی سرزمین، کارکرد تجزیه‌ای به حساب می‌آید این نوع فعالیت‌های بسیار متنوع و از میان آن‌ها سه گروه اساسی قابل تشخیص است:

- فعالیت اداری - مدیریت: این کارکرد به دوایر دولتی و موسسات اقتصادی مربوط می‌شود و تمامی جنبه‌های مدیریت را در بر می‌گیرد مثل فنون مدیریت، حسابداری، خزانه داری و مانند آن.
- فعالیت طراحی: چنین کارکردی در برگیرنده مرحله مطالعه- توسعه یعنی فرآیندی که در نوآوری و تدارک فرآورده‌های جدید تشریک مساعی دارند.
- فعالیت بازرگانی: کارکرد بازرگانی به خدمات بازاریابی و مشاغل بازرگانی و تکنیکی- تجاری مربوط می‌شود. رشد این کارکرد در دوران جدید بسیار سریع بوده است. حتی می‌توان گفت که این کارکرد در استراتژی موسسات اقتصادی بر سایر کارکردها پیشی گرفته است. این طبقه‌بندی که بر اساس کارکردها صورت گرفته به دو دلیل اساسی به نحو آشکاری با تحلیل فضایی در تطابق است.

نخست آن‌که رویکرد آن از جنبه‌های اجتماعی- اقتصادی برخوردار است و دوم آن‌که بر تیپ کار انجام شده متکی است. این طبقه‌بندی به مراتب بیش از طبقه‌بندی بر اساس مقولات اجتماعی و یا بر اساس فعالیت‌های اقتصادی با واقعیت تقسیم کار تطبیق می‌کند. به همین لحاظ گروه‌بندی فعالیت‌ها بر اساس کارکردهای همگن و متجانس، مناسب‌ترین شیوه درک صورت‌بندی اجتماعی، چه از نظر توزیع مکانی و چه به حیث سازماندهی اقتصادی آن خواهد بود.

نوعی دیگر از تقسیم‌بندی‌های رایج در باب کارکرد پدیده‌ها، تفکیک آن به کارکردهای بالقوه^۲ و بالفعل^۱ است. آن دسته از نقش‌هایی را که به واسطه «جریان‌ها» در فضای طبیعی به کار می‌آیند، کارکرد بالقوه و نقش‌هایی که در فضای قابل سکونت و با واسطه «شبکه‌ها» عمل می‌کنند، اصطلاحاً کارکردهای بالفعل می‌نامند (دولفوس، ۱۳۷۳: ۸۲).

مجموعه حاصل می‌آید. بالاخره نقشی که هر یک از زیرمجموعه‌ها در ایجاد یا تکوین پدیده یا مجموعه مورد نظر داشته‌اند کارکرد آن پدیده نامیده می‌شود (الیاسی، ۱۳۶۸: ۱۴).

کارکرد (Function) که گاهی اوقات به صورت فونکسیون نیز در زبان فارسی رایج است به معنای نقش، وظیفه یا مسئولیت نیز به کار می‌رود که خارج از معنای ساده و رایج آن در مباحث علمی تحت عنوان یک نگرش یا مکتب مطرح می‌باشد، علاوه بر آن در نظام اداری «کارکرد» خدمت، وظیفه و کاری است که هر یک از اعضا در این نظام انجام می‌دهند. در ریاضیات کارکرد در معنای «تابع» به کار رفته و در زیست‌شناسی به طور عمده به فعالیتی گفته می‌شود که هر اندام بر عهده دارد. در یک تبیین علمی کارکرد به معنی نقش یا اثری است که هر پدیده در زنجیره پدیده‌هایی که با آن‌ها مرتبط است بر جای می‌گذارد. و بالاخره این که «این لغت در معانی وظیفه^۱، استفاده^۲، عمل^۳، فایده^۴، انگیزه^۵، نقش^۶، شغل^۷، نیاز^۸، نتیجه و حاصل^۹ نیز به کار می‌رود» (توسلی، ۱۳۷۰: ۲۱۸-۲۱۷).

ژرژ گورویچ چهار معنی از کارکرد به شرح زیر بیان می‌کند (گورویچ، ۱۳۷۴: ۵۶):

- به معنای وظیفه‌ای که هر طبقه باید در داخل جامعه انجام دهند.
- به معنای رابطه طبقه‌ای با طبقه دیگر.
- در معنای اقتصادی یعنی نقش یک گروه در حیات اقتصادی که از یک طرف شامل نقش در تولید، توزیع و مصرف می‌شود و از طرف دیگر شامل قدرت اقتصادی، منزلت، فایده، درآمد، ثروت، حرفه و غیره است.
- در معنای کار ذاتی که گروه موظف به انجام آن است. بر این اساس، تعریف هر گروه وابسته به فونکسیون خاص آن گروه است.

۲. کارکردگرایی؛ تاریخ و زمینه شکل‌گیری

کارکردگرایی نظریه‌ای است که از نظر سابقه در میان متفکران و علمای علوم اجتماعی کشورهای غربی پا گرفت. عده‌ای سابقه فونکسیونالیسم را در اوایل قرن بیستم و به مکتب انسان‌شناسی مرتبط دانسته و آن‌را فرزند خلف و جانشین مکتب ارگانیسم و تحلیل ارگانیکی قرن نوزدهم می‌دانند (ن. ک به اشرف، ۱۳۶۹). گو این‌که سابقه پرداختن به بحث ارگانیسم به یونان و روم باستان باز می‌گردد و افلاطون را باید در ردیف نخستین متفکرانی دانست که نظریات مهمی در باب تحلیل ارگانیکی جامعه و دولت عرضه داشت.

بحث ارگانیسم و تشریح ارگانیکی تا قرن ۱۹ نیز ادامه یافت و گسترش آن به تدریج سبب شکل‌گیری نظریه کارکردگرایی (فونکسونالیسم) گردید. معمولاً از امیل دور کیم (۱۸۵۸-۱۹۱۶) به عنوان بنیانگذار کارکردگرایی عصر جدید نام می‌برند اما در بسط اصول پایه‌ای مرتبط با این

نظریه نمی‌توان به راحتی از کنار نام‌هایی مانند آگوست کنت، هربرت اسپنسر، داروین، مالتوس و مارکس گذشت. کارکردگرایی نوین بر پایه مفروضاتی عمل می‌کند که از افکار دورکیم درباره ساختارها، کارکردها و رابطه انسان با نیازهای جامعه نشأت می‌گیرد. «شاید مهم‌ترین کار دورکیم این بود که میان مفهوم علت اجتماعی و مفهوم کارکرد اجتماعی تفکیک قائل شد. در بررسی علت‌های اجتماعی باید توجه کرد که یک ساختار معین چگونه به وجود آمده و چرا چنین صورتی را به خود گرفته است. اما برعکس در بررسی کارکردهای اجتماعی باید توجه کرد که یک ساختار معین چه نیازی را برای یک نظام گسترده‌تر برآورده می‌سازد» (ریترز، ۱۳۷۹، ص ۲)

از دیگر نامداران نظریه کارکردی تالکت پارسونز^۱ است. او کارکرد را مجموعه فعالیت‌هایی می‌داند که در جهت برآوردن یک نیاز یا نیازهای نظام انجام می‌گیرد و با توجه به این تعریف معتقد بود که هر نظام برای زنده ماندن باید چهار کارکرد انجام دهد: (همان منبع ص ۱۳۱)

۱- تطبیق: هر نظامی باید خودش را با موقعیتی که در آن قرار گرفته است تطبیق دهد یعنی باید خودش را با محیطش تطبیق دهد و محیط را نیز با نیازهای سازگار سازد.

۲- دستیابی به هدف: یک نظام باید هدف‌های اصلی‌اش را تعیین کند و به آن‌ها دست یابد.

۳- یکپارچگی: هر نظامی باید روابط متقابل اجزای سازنده‌اش را تنظیم کند و به رابطه میان چهار کارکردش نیز سر و سامانی بدهد.

۴- سکون یا نگهداشت الگو: هر نظامی باید انگیزش‌های افراد و الگوهای فرهنگی آفریننده و نگهدارنده این انگیزش‌ها را ایجاد، نگهداری و تجدید کند. این چهار کارکرد به نظر پارسونز درکلی‌ترین سطح با چهار نظام کنش (نظام اجتماعی، نظام فرهنگی، نظام شخصیتی و ارگانیسم رفتاری) دارند.

دیگر شخصیت تأثیرگذار بر مکتب کارکردگرایی رابرت مرتون^۲ است. او که خود شاگرد پارسونز بود با نگارش کتابی به نام «ساخت اجتماعی و بی‌هنجاری»، بسیاری از عقاید و نظرات خود را بیان نموده و به توسعه مفاهیمی مثل ساخت، اهداف، وسایل و کارکردهای آشکار و پنهان (که در بحث بعدی بدان خواهیم پرداخت)، موارد غیر کارکردی و نیز وحدت کارکردی پرداخت (توسلی، ۱۳۷۰: ۳۲).

مرتون به آنچه خود سه اصل مهم و بنیادی تحلیل کارکردی می‌داند انتقاد کرد. نخستین آن‌ها اصل وحدت کارکردی جامعه است که مرتون آن را در مورد جوامع کوچک و ابتدایی صحیح می‌داند اما معتقد است نمی‌توان این مفهوم را به جوامع بزرگ‌تر و پیچیده‌تر تعمیم داد. اصل دوم کارکردگرایی تحت عنوان شمول عام است که بر مبنای آن همه صورت‌های فرهنگی و اجتماعی معیارین و ساختارها، کارکرد مثبت دارند اما مرتون معتقد است

که همه ساختارها رسوم، افکار، باورها و نظایر آن کارکرد مثبت ندارند و سومین اصل، گریزناپذیری کارکردهاست که بنابراین اصل استدلال می شود که همه جنبه های ارزشی جامعه نه تنها کارکردهای مثبت دارند بلکه بخش گریزناپذیری از کارکرد کلی جامعه را نیز نشان می دهند. مرتون در انتقاد به این نظر می گوید که ما باید دست کم آمادگی پذیرش این واقعیت را داشته باشیم که شقوق ساختاری و کارکردی گوناگونی را می توان در داخل جامعه پیدا کرد (ریترز، ۱۳۷۹ ص ۱۴۴).

تاریخ تحولات مربوط به مکتب کارکردگرایی فقط در اسامی فوق خلاصه نمی شود. افرادی مثل دیویس^۱ و مور^۲، برونسیلا مالینوفسکی^۳، آلفرد رودکلیف براون^۴، ماریون جی لوی^۵، ویلیام وایت^۶ و رالف دارندورف^۷ (که با طرح نظریه تضاد یکی از منتقدین سرسخت مکتب کارکردگرایی به شمار می رود) از دیگر افراد برجسته شخصیت های تأثیرگذار در تاریخ پرفراز و نشیب این مکتب به شمار می روند. به این مجموعه باید به کوشش های ون دن برگ^۸ برای برقراری آتش بس بین مکتب کارکردی و نظریه تضاد با تأکید بر وجه اشتراکات این دو نظریه و انتقاد فرانک^۹ به این رویکرد و اعتراض وی به "ون دن برگ" نیز اشاره کرد.^{۱۰}

۳. تقسیم بندی کارکردی (نقشی)

شناخت انواع مختلف کارکردهای مرتبط با هر پدیده یا نظام در تحلیل هایی که با این محوریت انجام می شوند لازم و ضروری است. یکی از رایج ترین تقسیم بندی ها در رابطه با کارکرد یک پدیده تفکیک آن به دو مقوله کارکرد درونی^{۱۱} و کارکرد بیرونی^{۱۲} می باشد. دکتر الیاسی در کتاب "واقعیات توسعه نیافتگی" این دو مفهوم را به این صورت بیان کرده است: کارکرد درونی یک پدیده یا مجموعه عبارت است از حاصل یا مجموع نقش های زیرمجموعه های آن و نقش، نقش هایی که پدیده در رابطه با یک پدیده بزرگ تر را کارکرد بیرونی آن می گویند (الیاسی، ۱۳۶۸: ۱۴).

برای مثال کشاورزی به عنوان فعالیتی اقتصادی یک پدیده است که نتیجه تعامل و پیوستگی علل طبیعی و انسانی می باشد. کارکرد درونی این پدیده - نقش های اجزا یا زیرمجموعه های آن - عبارت است از نقش اقلیم، خاک، منابع آب، زمین، نیروی انسانی،

1- A.K.Davis
4- A.R.Brown
7- R. Dahrendorf

2- O.K.Moore
5- Marian . J. Levy
8- P . Vanden Berghe

3- B.Malinowski
6- William white
9- A. Gunder Frank

۱۰- برای مطالعه بیشتر علاوه بر منابع مورد استفاده در این بخش رجوع کنید به:

- هندراس . هـ (۱۳۴۹) مبانی جامعه شناسی ترجمه باقر پرهام، انتشارات امیر کبیر

- ادیبی، حسین و انصاری، عبدالمجود (۱۳۵۸)، نظریه های جامعه شناسی.

- وثوقی، منصور، فونکسیونالیسم و تغییر اجتماعی. نامه علوم اجتماعی جلد دوم شماره یک. زمستان ۶۹ دانشگاه تهران

- فرشاد مهدی، نگرش سیستمی، امیر کبیر، ۱۳۶۲.

- تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۷۹). مکاتب و نظریه های جامعه شناسی. انتشارات نگار مشهد.

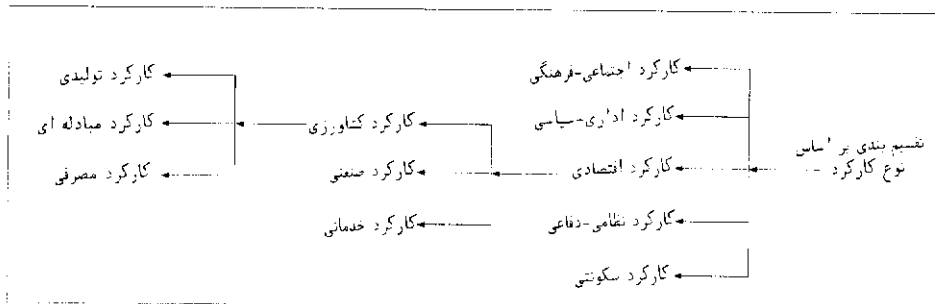
توجه به تقسیم بندی فوق نشان می دهد که مطالعه کارکردها با توجه به این نوع تفکیک سازی در واقع بستری برای مطالعه یک نظام محسوب می شود. نظامی که گاهی خارج از اراده و اختیار انسان نقش خویش را ظاهر می سازد. در مطالعات جغرافیایی، یک جغرافی دان مدام در جستجوی مناسبات میان نظام و کارکرد آن است تا در پی آن عوامل پویا و محرک و همچنین عوامل و باز دارنده را بشناسد.

دیگر محوری است که بر مبنای آن تفکیک بین نقش ها صورت می پذیرد. تقسیم بندی بر اساس نوع کارکرد است. گرچه در ارتباط با این تقسیم بندی توافق کلی وجود ندارد لیکن بر اساس نوع نقش معمولاً آن ها را کارکردهای اجتماعی، اقتصادی، اداری - سیاسی، نظامی، سکونت و ... تقسیم می کنند که البته در هر یک امکان شناسایی فونکسیون های جزئی تر نیز وجود دارد. مثلاً کارکرد اقتصادی به نقش های دیگر مثل نقش کشاورزی، نقش صنعتی، نقش خدماتی و کارکرد کشاورزی به نقش های چون تولیدی، مبادله و مصرف قابل تقسیم است. برحسب مسائل جغرافیایی و ویژگی های اقتصادی - اجتماعی مجموعه تقسیمات کارکردی - که ذکر آن ها رفت - قابلیت تقسیم مکانی نیز دارند که عموماً در تقسیم بندی های کلی به کارکردهای شهری^۱ و روستایی^۲ معروفند برای مطالعه و بررسی کارکرد یک سکونتگاه می توان از مولفه های زیر کمک گرفت:

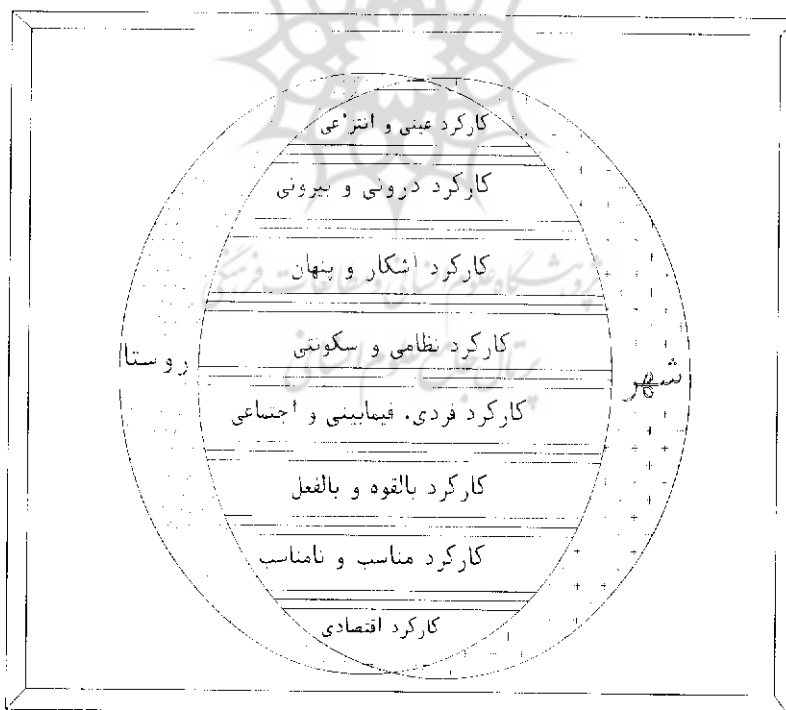
- شرایط جغرافیایی (اعم از موقعیت و عوامل سازنده و تأثیرگذار طبیعی)
- مراحل رشد یا روند تحولات تاریخی سکونتگاه
- جمعیت سکونتگاه (منشأ، ترکیب و ویژگی های کمی و کیفی جمعیت)
- وضعیت اقتصادی سکونتگاه (فعالیت های عمده، روابط تولیدی، نظام مبادله و ...)
- وضعیت خدماتی و نیازمندی های موجود
- نقش سکونتگاه در قالب ناحیه که متأثر از وضعیت موجود آن و نحوه و نوع ارتباطات بیرونی می باشد.

کارکرد یک سکونتگاه ثابت و ایستا نبوده و در جریان زمان، دگرگون می شود. این تحول می تواند متأثر از عوامل درونی یا بیرونی باشد. تجربه نشان داده است تغییر در کارکرد یک سکونتگاه متأثر از عوامل بیرونی به صورت گسترده و سریع خواهد بود و به تناسب نفوذ جریان تأثیرگذار امکان از بین بردن کارکردهای قبلی یا ایجاد تغییرات اساسی در آن ها وجود خواهد داشت.

شکل ۱: تقسیم بندی کارکردها بر مبنای تفکیک نوع نقش



شکل ۲: تقسیم بندی مکانی (جغرافیایی) کارکردها



طراحی شکل از نگارنده

بنابراین در گذر زمان یک سکونتگاه دارای کارکردهای متعددی خواهد شد که نقش عمده‌ای را در پایداری، حیات، رشد و توسعه سکونتگاه خواهد داشت. از طرف دیگر باید در نظر داشته باشیم که ورود کارکرد جدید در هر منطقه سکونتی به هیچ وجه مخل کارکرد قبلی نخواهد بود. اما همزیستی آن‌ها با یکدیگر، بسته به ماهیت و سازگاریشان از یک مکان به مکان دیگر و در زمان‌های مختلف، متفاوت است. گاهی ممکن است ورود یک جریان جدید سبب ایجاد تعارض بین نقش‌های قدیم و جدید شود که این تضاد می‌تواند سبب تحلیل رفتن یا حذف برخی کارکردها شده که این وضعیت در گذر زمان می‌تواند نقشی را به سکونتگاه اضافه یا از آن سلب نماید.

در مطالعات جغرافیایی شناخت نقش و کارکرد سکونتگاه می‌تواند در سه سطح انجام شود:

۱- آگاهی از نقش کل سکونتگاه‌های (شهری - روستایی) کشوری معین که می‌تواند گویاترین وضعیت را در رابطه با سطح و شکل توسعه اقتصادی آن کشور ارائه دهد.

۲- آگاهی از کارکرد هر سکونتگاه فارغ از دیگر سکونتگاه‌های یک ناحیه یا کل کشور

۳- شناخت و آگاهی نسبت به کارکردهای جزئی یک سکونتگاه (فرید، ۱۳۶۸: ۲۴۲)

قدر مسلم برای بررسی و تفکیک کارکردهای یک سکونتگاه علاوه بر شناخت نظام‌های اقتصادی - اجتماعی حاکم بر آن نقطه، شرایط جغرافیایی نیز نقش تعیین کننده‌ای خواهد داشت. به‌ویژه این که اگر توجه کنیم در ایفای نقش مشخص در یک سکونتگاه موقعیت آن در یک قلمرو (ناحیه) بسیار مهم و تأثیرگذار خواهد بود. انباشت خدمات، شبکه‌های دسترسی مناسب و پذیرش نقش‌های جدید در گسترش و ارتقا کارکردی سکونتگاه در کل ناحیه همان تأثیر را خواهد داشت که در صورت فقدان تسهیلات زیر بنایی، راه‌های ارتباطی نامناسب و عدم وجود زمینه برای ورود نقش‌های نو، ضعف کارکردی همان نقطه را موجب می‌شود.

۴. کارکردگرایی و جغرافیا با تأکید بر جغرافیای روستایی

مکتب کارکردگرایی را می‌بایست در ردیف تفکرات فلسفی دانست که به‌طور مستقیم و غیر مستقیم در مطالعات جغرافیایی تأثیر داشته است. زمینه‌هایی مثل تئوری، روش کار، مباحث فلسفی و تجربی از جمله مواردی هستند که جغرافی‌دانان در مطالعات علمی از اصول و مفاهیم کارگردانی بهره می‌جویند (شکویی، ۱۳۷۷: ۱۹۸) مفهوم کارکرد در جغرافیا به‌طور عمده اثر و نقشی است که هر عنصر و پدیده در فضای جغرافیایی بر عهده دارد. به عبارت دیگر رابطه هر پدیده و عنصر محیطی با کل و مجموعه یکپارچه محیط ناشی از کارکردهای متفاوت هر یک از عناصر در هماهنگی با هم است.

بررسی نقشی پدیده‌ها در جغرافیا یک عادت باستانی است و مبادی آن در جهان‌شناسی

یونان یافت می‌شود اخیراً احیای کارکردگرایی همراه با قاعده مدت نظریه سیستم‌ها مطرح گردیده است (به‌فروز، ۱۳۷۸ : ۵۸) کارکردهای اصلی زندگی انسانی را از نظر جغرافیایی می‌توان در قالب هفت نوع کارکرد بیان کرد: تولید مثل و زندگی جمعی، سکونت کردن، فعالیت اقتصادی، رفع نیاز کردن، آموختن، استراحت کردن، مشارکت در رفت و آمد. همه کارکردهای فوق مستلزم نیازهای مکانی - فضایی مشخصی هستند که دانش جغرافیا به توصیف و تبیین "الگوی" ناحیه‌ای آن‌ها می‌پردازد (شکل ۳) بر این اساس چشم‌انداز فرهنگی نهایتاً عبارت از مجموعه‌ای پیچیده از الگوی ساختی - مکانی حاصل از کارکردهای اساسی مذکور در یک منطقه است (شافر، ۱۳۶۸ : ۸-۴)

کارکردگرایی به اشکال گوناگون وارد علم جغرافیا شده است: (شکویی، ۱۳۷۷ : ۱)
الف) کارکردگرایی غیر مستقیم مثل کارکرد یا نقش شهرها در داخل ناحیه و مناسبات بین ناحیه‌ای

ب) جانمایی کارکردی: ورود تکنولوژی به داخل جامعه روستایی می‌تواند آثار زیانبار یا مفید بر جای گذارد.

ج) هدف‌ها: هدف‌ها در چارچوب یک فضای جغرافیایی مطالعه می‌شود.

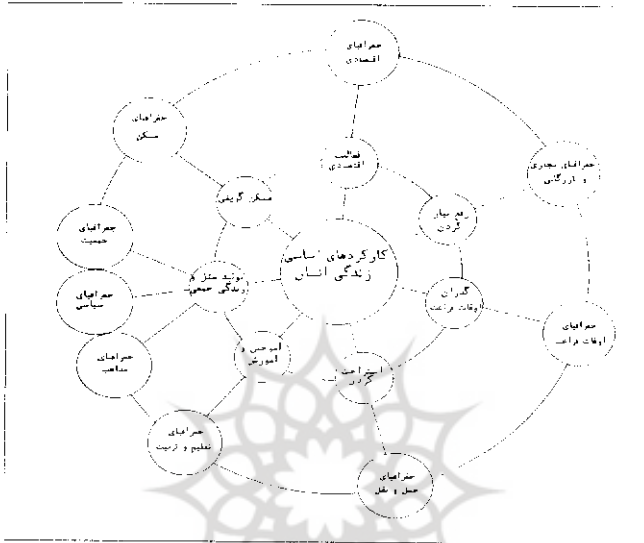
د) نگهداری وضع موجود، تعادل و خود تنظیمی: مطالعه کارکردهایی که وضع موجود را تصنیف یا تخریب می‌کند.

و) سازگاری و تطابق: هماهنگی و سازگاری موجود زنده با محیط مثلاً گسترش روستاها در رابطه با شرایط اکولوژیک

ه) وابستگی عناصر در یک مجموعه: که از مفاهیم اصلی کارکردی به‌شمار می‌رود و به مواردی چون وضع موجود برای مدت طولانی، یک گروه از هدف‌ها و هنجارها، یک فضای زندگی تحت اشغال یک گروه، اثرات متقابل خرده سیستم‌های داخلی و تحرک می‌پردازد.

علم جغرافیا اگرچه مدعی فلسفه کارکردگرایی مشابه شیوه مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی نیست با این حال اکثر کارهای تجربی در این علم را به لحاظ شکل و قالب می‌بایست کارکردگرایانه دانست. مروری بر عقاید و افکار جغرافی‌دانان در دو قرن اخیر، بر پذیرش کارکردگرایی به‌عنوان یک مکتب فکری از سوی اندیشمندان این علم صحنه می‌گذارد. عقاید افرادی چون دولابلاش (۱۹۱۸-۱۸۴۵) و هارتشورن (۱۹۹۲-۱۸۹۹) که قلمرو مطالعات جغرافیا - یا همان ناحیه - را یک واحد کارکردی به‌شمار می‌آورند بر این امر تأکید دارد. اصطلاح ناحیه مفاهیم ضمنی متعددی را در طول زمان در جغرافیا کسب کرده است حتی در برخی موارد ناحیه را به‌عنوان پدیده‌ای که وسعتی بیش از مجموع عناصر و بخش‌های جغرافیایی دارد فرض فرض کرده‌اند. این تجسم و مفهوم از ناحیه جغرافیایی به‌عنوان یک واحد کارکردی با مفاهیم

شکل ۳: کارکردهای اساسی زندگی انسان بر اساس دیدگاه شافر



فرهنگی و جامعه‌شناسی و نظایر آن تفاوت دارد.

در تاریخ تحولات مربوط به مطالعات روستایی به‌ویژه در زمینه‌های جغرافیایی آن به مواردی بر می‌خوریم که مقبولیت مکتب کارکردگرایی را در بین جغرافی دانان نشان می‌دهد. آلبرت دمانژن (۱۸۷۲-۱۹۴۰) ژان برون (۱۹۳۰-۱۹۶۹) فرانسوی تبیین نقش (کارکردی) سکونتگاه‌های روستایی را به‌عنوان یک محور مطالعاتی پذیرفته و به کار بستند. در جغرافیای آلمان تبیین ساختاری - کارکردی چشم‌اندازهای روستایی به‌طور همه جانبه به‌عنوان رویکردی کاربردی در شناخت مکانی - فضایی سکونتگاه‌های روستایی با استقبال مواجه شد (سعیدی، ۱۳۷۷ : ۹) از دیدگاه‌های متقدم در این راستا مانند نظریه کارل ریتر (۱۸۵۹-۱۷۷۹)، نظریه اقتصاد کشاورزی تونن (۱۸۵۰-۱۷۸۳) گرفته تا تئوری مکان مرکزی والتز کریستالر (۱۹۶۹-۱۸۹۳) و عقاید مایتزن^۱ همگی بر این گرایش دلالت دارد.

نیمه دوم قرن بیستم نیز شاهد گسترش دیدگاه‌های مطالعاتی در روستاها با محوریت بررسی نقش یا کارکردی بوده است. عقاید جغرافی دانان انگلیسی مثل تروپ^۲، چیشولم^۳، کلات^۴ (۱۹۷۳) و خانم لمبتون^۵ (۱۹۵۳) بر گرایش جغرافی دانان به تفسیر نقشی و تحلیل‌های مقایسه‌ای روستاها با این محور صحنه می‌گذارد. به‌طور مثال "چیشولم" بر اساس بهره‌گیری

1- W. Christaller
4- Chisholm

2- A. Matzen
5- Clout

3- Thrope
6- S. K. Lampto

اقتصادی (کارکرد اقتصادی) در یک فضای رقابتی در جوامع روستایی مطالعات خویش را انجام داده است یا "کلات" به بررسی تغییر زندگی روستایی به شهری می‌پردازد و با این کار در واقع به بررسی تغییرات کارکردی روستاها در پرتو ارتباط با شهر توجه ویژه‌ای نشان می‌دهد. تأکید "لمبتون" بر چگونگی بهره‌گیری از اراضی زراعی در روستاها در رابطه با نظام مالکیت، می‌تواند یک بررسی کارکردی و تخصصی از تحقیقات روستایی باشد که مشابهت روش تحقیقی آن در کار معاصرانش نیز دیده می‌شود (بهفروز، ۱۳۶۸: ۲۶-۲۷) در سه دهه اخیر اهمیت بررسی مسایل اجتماعی - اقتصادی روستا در پرتو محورهای مثل صنعتی شدن روستاها، افزایش ارتباط شهر و روستا، شهرگرایی جوامع روستایی، تغییر کارکردی سکونتگاه‌های روستایی از کشاورزی به نقش‌های صنعتی، تجاری، خدماتی، خوابگاهی، توریستی و ... نمایانگر قرابت شدید محتوای مطالعات روستایی به نگرش‌های کارکردی دارد. آرا، عقاید و محورهای مطالعاتی افرادی مثل "می‌هیو" (۱۹۷۳) - مطالعه تغییرات نقشی سکونتگاه‌های روستایی، رشد و توسعه روستاها و سیستم‌های کشاورزی در آلمان - "جوردن" و "رانتزی" (۱۹۷۶) - بررسی نقشی و فرآیندهای تغییر چهره و نقش روستاهای یک ناحیه جغرافیایی - "هاج" و "ویت بای" (۱۹۸۱) - شناخت علل بی‌کاری در روستاهای انگلستان که منجر به ضعف کارکرد اقتصادی این روستاها می‌شود - تنها مصادیق "مشت نمونه خروار" این گرایش است (همان منبع: ۲۰-۱۹).

همان‌طور که کارکردگرایان به چگونگی ترکیب اجزای مختلف برای بررسی یک کل و وحدت مورد نظر در آن تأکید می‌ورزند در نگرش‌های جغرافیای سیستماتیک نیز به پدیده‌ها به‌عنوان جزئی از یک کل بزرگ‌تر نگریده می‌شود و تشریح پدیده برحسب نقشی است که در آن سیستم بزرگ‌تر دارد. مثلاً روستا را به‌جای آن که با نظر به اجزا و عناصر موجود در آن (منازل مسکونی، میدان، مسجد، اراضی کشاورزی و ...) مانند آنچه در مونوگرافی‌ها آمده مورد مطالعه قرار دهیم، به‌وسیله کارکرد یا نقش آن در کل سیستم (شبکه توزیع آبادی‌ها، کارکرد اقتصادی آن در ناحیه، روابط نقشی فی‌مابین سکونتگاه‌ها و ...) مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم این وجه مطالعاتی که روش سیستمی نامیده می‌شود مورد توجه و استفاده کارکردگرایان قرار دارد.

در بررسی آثار عمده جغرافی‌دانان قرن بیستم مشخص شده که تنها در بخشی از این مطالعات، جزئی‌نگر و مفرد بوده است. پتی سون^۱ آمریکایی با ارائه چهار دیدگاه کلی از جغرافیا معتقد است که تنها در علوم زمین به‌طور انتزاعی و مفرد به موارد جزئی مثل اقلیم، ژئومرفولوژی، خاک و ... پرداخته می‌شود. در حالی که در سایر دیدگاه‌های جغرافیا از جمله دیدگاه محیط‌گرا (اکولوژیکال)، ناحیه‌ای، و فضایی روش‌های مطالعه و تحقیق، یکپارچه‌نگر بوده و با جامعیت جغرافیایی خود در چارچوب نگرش سیستمی و ارگانیکی قرار می‌گیرند. این

خصوصیات را که می‌توان به‌عنوان ویژگی‌های علم جغرافیای ناحیه دانست عبارتند از: ارگانیک بودن، ترکیب داشتن، کلیت و یکپارچگی، وحدت و هماهنگی.

در رابطه با مطالعات روستایی نیز روش‌ها و دیدگاه‌های چندی وجود دارد که چهار نوع آن از همه معروف‌تر است (توانا، حسن ضیا، ۱۳۶۹: ۶): روش یا دیدگاه اکولوژیک، روش یا دیدگاه کالبدی، روش یا دیدگاه مرکزیت با بررسی مناسبات بیرونی روستا و بالاخره روش یا دیدگاه کارکردی. بر مبنای روش چهارم محورهای مطالعاتی عمده شامل ساختار اقتصادی - اجتماعی، اشکال مختلف مالکیت و شیوه‌های تولیدی، ساخت جمعیت و نظام سلسله مراتبی اجتماعی و سازماندهی نظام آبیاری، انواع کشت و تحولات به‌وجود آمده در آن و ... می‌شود.

۵. کارکرد سکونتگاه‌های روستایی^۱

هر سکونتگاه روستایی به تناسب ساختار اقتصادی - اجتماعی و همچنین تحولاتی که از گذشته تا به امروز به‌خود دیده است دارای کارکرد یا کارکردهای مشخصی است. وجود تنوع در کارکرد روستاها نه تنها در فعالیت‌ها و روابط درونی آن‌ها تأثیرگذار است بلکه در تعیین وسعت و حتی شکل ظاهری و کالبد سکونتگاه‌های روستایی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. البته باید توجه داشت که هر یک از سکونتگاه‌های روستایی کارکردهای خاصی دارند (سعیدی، ۱۳۷۵، ص ۵۲). اگر به نحوه توزیع یا پراکنش کارکرد روستاها توجه شود، به‌سادگی می‌توان دریافت که در کشورهای که به‌ویژه اقتصادی کاربر دارند، کارکردها ناموزون و ناهماهنگ است و کارکرد سکونتی و اقتصادی و مانند آن عمدتاً به‌صورت نامنظم و نابرابر توزیع شده است (همان منبع ص ۱۰۳). در حالی که در کشورهای که نظام اقتصادی سرمایه‌بر و منظم است توزیع کارکردها نیز از نظم مشخصی تبعیت کرده و تقریباً هماهنگ و شناخته شده است. اولیویه دولفوس در کتاب تحلیل جغرافیایی کارکردهای یک فضای روستایی واقع در یک کشور توسعه یافته را در سه مورد، محلی برای تولید کشاورزی انبوه سکونت جمعیتی و گذران اوقات فراغت برمی‌شمارد. در مطالعات مربوط به کارکرد سکونتگاه‌های روستایی رسالت اصلی این است که بدانیم نقش‌های یاد شده تا چه حد با یکدیگر سازگاری داشته و در چه مواقعی با یکدیگر تضاد پیدا می‌کنند. بنابراین لازم است در تحلیل جغرافیایی، کارکردهایی که در داخل یک فضای معین اعمال می‌شوند با دقت و موشکافی بررسی شوند و با این شناخت به جستجوی عواملی برآمد که فعالیت مورد نظر را تسهیل می‌کنند و یا اعمال آن‌را با دشواری مواجه می‌سازند (منبع پیشین، ص ۸۶-۸۵).

به‌فروز (۱۳۷۴) در کتاب زمینه‌های غالب در جغرافیای انسانی به بررسی کارکرد سکونتگاه‌های روستایی پرداخته و در این ارتباط به کارکردهایی مثل سکونتی، اقتصادی،

فرهنگی- اجتماعی و سیاسی اشاره می نماید. ایشان معتقد است، "بررسی نقش و وظایف مسکن روستایی، تأسیسات و متعلقات ساختمانی، مزارع خانوادگی، اراضی مزروعی و باغی، محل های نگهداری از دام، و بالاخره نقش های عملکردی روستاهای مرکزی به عنوان مرکز یا کانون حیاتی و اقتصادی در زندگی روستاییان بخش مهمی از مباحث مربوط به جغرافیای سکونت گزینی روستایی می باشد" (بهبروز، ۱۳۷۴: ۲۵۲). ایشان در ادامه با توجه به این که کشاورزی را مهم ترین کارکرد اقتصادی در سیمای روستایی جهان می داند به معرفی نواحی عمده کشاورزی (اعم از تجاری یا غیر تجاری) پرداخته است.

دیگر مطالعه ای که در این زمینه توسط هادیانی (۱۳۷۸) انجام شده "ساخترشناسی و کارکردشناسی جغرافیایی سکونتگاه های روستایی" می باشد. که جوامع روستایی را براساس ویژگی های اجتماعی و اقتصادی به چند دسته تقسیم می کند: سکونتگاه ها برحسب کارکرد سکونت و اشتغال که این دسته از سکونتگاه ها را به آبادی های سکونتی، آبادی های سکونتی- شغلی هم تراز، آبادی های کارکردگرا یا آبادی محل اشتغال تقسیم بندی می کند. از سوی دیگر روستاها را برحسب گونه های اشتغال به سکونتگاه های کشاورزی، صنعتی- کشاورزی، صنعتی، خدماتی- صنعتی، کشاورزی- خدماتی، و بالاخره سکونتگاه های خدماتی تقسیم می نماید. تفکیک سازی سکونتگاه ها برحسب زیر ساخت های محلی و همچنین کارکردهای مرکزی از دیگر محورهای این مطالعه است که به صورت جزئی و عمیق بدان پرداخته شده است (هادیانی، ۱۳۷۸) اما شاید بتوان گفت که منسجم ترین طبقه بندی را از کارکرد سکونتگاه های روستایی سعیدی (۱۳۷۷) ارائه داده است. ایشان کارکرد سکونتگاه های روستایی را در چهار مورد به شرح زیر بیان می دارند: کارکرد سکونتی، کارکرد خدماتی - تسهیلاتی، کارکرد ارتباطی - استراحتگاهی و کارکرد اقتصادی - تولیدی که به طور خلاصه به شرح هر یک از آن ها خواهیم پرداخت:

۵-۱. کارکرد سکونتی: بدیهی ترین و نخستین کارکرد هر سکونتگاه روستایی فراهم کردن سر پناهی مطمئن برای انسان است. این کارکرد مهم ترین و در برخی موارد تنها کارکرد سکونتگاه ها به شمار می آید (سعیدی، ۱۳۷۷: ۱۰۴) مسکن، تجلی عینی این کارکرد است. مسکن در یک نقطه روستایی کارکردهایی گوناگون دارد ضمن این که این پدیده در یک روستا نمایانگر نوع فعالیت، آداب و رسوم موجود در محل و محیط جغرافیایی یک مکان است. مسلماً شکل و دامنه سکونت گزینی در گذر زمان و همگام با دگرگونی های اجتماعی - اقتصادی و همچنین گسترش امکانات و دانش فنی تغییر می کند. این تغییر عمدتاً در مصالح مورد استفاده و شکل و طرح بنا تجلی می یابد (همان منبع ص ۱۰۴).

مطالعه علمی از این کارکرد به ویژه ساکن روستایی از دیر باز مورد توجه جغرافی دانان قرار

داشته است. به ویژه این که در دوره جغرافیای جدید این گرایشات بسیار بیشتر از گذشته در مطالعات جغرافیایی نمود پیدا کرده، از ریترو مایترن که مسکن روستایی را نتیجه‌ای از روابط پیچیده انسان و محیط تلقی می‌کردند تا جغرافی‌دانان فرانسوی نظیر برون، دمانژن و لوبوکه همگی به بررسی و گونه‌شناسی مسکن روستایی پرداختند و همچنین جغرافی‌دانان آمریکایی نظیر نیفن، ریکرت، که نقش فرهنگ را در پیدایش گونه‌های خاصی از معماری مسکن روستایی را یادآور شده‌اند، نشانگر توجه جغرافی‌دانان به مطالعه این نوع از کارکرد جوامع روستایی و علاقه‌مندی و گرایش به زمینه‌ها و محورهای مطالعاتی را که اساس بررسی شیوه و نحوه سکونت‌گزینی انسان در جوامع روستایی باشد، نشان می‌دهد (بهفروز، ۱۳۷۴: ۲۲۴-۲۲۷-۲۳۰). بر این اساس جنبه‌های بسیار مهمی مثل وسعت و شکل فضای آزاد (نظیر حیاط و باغچه)، ارتباط نحوه ساخت مسکن و مصالح مورد استفاده با محیط اطراف، نحوه قرارگیری ساختمان به ویژه در ارتباط با کاربری‌های عمومی (شبکه معابر، میداين و ...)، اجزای مسکن و کارکرد آن‌ها (اطاق، انبار، طویله، ایوان، ...) و شیوه معماری (سعیدی، ۱۳۷۷: ۷۰).

۵-۲. کارکرد خدماتی - تسهیلاتی: این کارکرد ممکن است به تأمین و برآوردن نیازهای خود سکونتگاه محدود گردد یا دامنه وسیع‌تری را شامل شود و نیازهای سکونتگاه‌های پیرامون را نیز در بر گیرد (منبع پیشین ص ۱۰۶) بنابراین می‌توان دامنه کارکرد خدماتی یک روستا را تنها مختص به یک مکان دانست یا به آن قالب ناحیه‌ای داد. بر اساس کارکرد خدماتی و به تناسب قدرت خدمات رسانی که خود متأثر از وجود خدمات، تسهیلات ارتباطی، شبکه‌های حمل و نقل می‌باشد روستاها را در سطوح مشخص طبقه‌بندی نمود. طبقه‌بندی از سکونتگاه‌های روستایی بر این مبنا به محقق اجازه می‌دهد تا نظام سکونتگاهی را در قالب یک برنامه سلسله مراتبی دارای هویت و تعریف مشخص نماید و از آن به‌عنوان ابزاری سودمند در جهت رسیدن به اهدافی مثل تشریح سلسله مراتب موجود مراکز روستایی و الگوهای پیوند کنونی، شناخت و تجزیه و تحلیل برنامه‌های توسعه و تعیین مناسب‌ترین محل استقرار آن‌ها، تعیین سلسله مراتب آتی مراکز روستایی و بهبود و تقویت الگوهای پیوستگی مطلوب استفاده نمود (مشاورین D.H.V: ۱۳۷۱: ۱۵۶).

کارکرد خدماتی روستاها نیز به تناسب تحولاتی که در طول زمان تجزیه می‌کند تغییر می‌یابد. تقویت خدماتی یک روستا می‌تواند نقش آن را ارتقا داده و در سلسله مراتب جایگاه بهتری به آن ببخشد. برعکس ضعف خدماتی یا فقدان امکانات جایگاه روستا را در نازل‌ترین مرتبه در نظام سلسله مراتب قرار خواهد داد.

۵-۳. کارکرد استراحتگاهی - ارتباطی: کارکردهای اساسی زیستی دیگری نیز وجود دارد که ماهیت برخی سکونتگاه‌ها با توجه به آن‌ها شکل می‌گیرد. استراحت، آموزش، ورزش، ارتباط با

دیگران از جمله این کارکردها به‌شمار می‌رود. برخی از سکونتگاه‌هایی که این‌گونه کارکردها را برعهده دارد عبارتست از: سکونتگاه‌های توریستی، سکونتگاه‌های ارتباطی و سکونتگاه‌های مذهبی (سعیدی، ۱۳۷۷: ۱۰۷).

۴-۵. کارکرد اقتصادی - تولیدی^۱: این کارکرد نیز یکی از مهم‌ترین کارکردهای روستاهاست، فضاهای زراعی، کارگاهی و تدارکاتی روستا همگی نشانگر این نوع کارکرد می‌باشد. کارکرد اقتصادی روستاها را معمولاً به نقش‌هایی مثل نقش تولیدی، تبدیلی و مبادله‌ای تقسیم می‌کنند. در واقع این نقش‌ها در داخل نظام (اقتصادی) روستا به‌هم پیوسته و در هم جوش خورده‌اند (دولفوس، ۱۳۷۳: ۸۱) نظام اقتصادی روستاها به لحاظ نوع عملکرد می‌تواند به‌صورت نقش تولیدی (عمدتاً کشاورزی)، نقش تبدیلی (عمدتاً صنعت) و بالاخره به‌صورت نقش مبادله‌ای خود را نشان دهد. بازتاب عینی یک نظام کشاورزی در یک چشم‌انداز جغرافیایی در شکل قرارگیری مزارع، تناوب زراعی و شیوه کشت می‌باشد. وجود کارگاه‌های کوچک صنعتی که نقش تولید محصولات صنعتی یا تبدیل مواد اولیه بخش کشاورزی به محصولات ثانوی را دارند نمونه‌های مشهود ایفای نقش تبدیلی در روستاست. کارکرد مبادله‌ای نیز در شکل‌گیری مراکز بازاری برحسب نیاز و به‌صورت دوره‌ای یا موقت خود را نشان می‌دهد.

۶. نتیجه‌گیری

آنچه از مطالعه و بررسی مکتب کارکردگرایی برمی‌آید این است که زادگاه این مکتب اگرچه در غرب و مشخصاً در علوم اجتماعی این سامان پا گرفت ولی گسترش زمینه‌های فکری آن در مناطق مختلف و علوم گوناگون بوده است. در این بین جغرافی‌دانان به‌ویژه، جغرافی‌دانان روستایی با توجه به ماهیت این مکتب آن را در زمینه‌های گوناگونی مانند مسکن، اقتصاد، فرهنگ و تحولات مربوط به هر یک در جوامع روستایی به‌کار بستند. در حال حاضر نیز این نگرش به‌عنوان یکی از دیدگاه‌های کاربردی این علم، جایگاه ویژه‌ای داشته و جغرافی‌دانان روستایی عموماً به روستا به‌عنوان یک پدیده کارکردی نگاه می‌کنند. این نوع نگرش می‌تواند روستا را به‌عنوان یک پدیده مکانی - فضایی و در چارچوب کارکردهای گوناگون مورد بررسی قرار داده و به تناسب قابلیت‌های درونی آن برنامه‌ریزی بهینه‌ای را شکل دهد که در مقیاس محلی، ناحیه‌ای و ملی نقش‌آفرینی مثبت و کارکرد هماهنگ با سطوح بالا و پایین را عرضه نماید.

۷. منابع

- ۱- ادیبی، حسین و انصاری، عبدالمعبود، ۱۳۵۸، نظریه‌های جامعه‌شناسی، انتشارات جامعه، تهران.
- ۲- اشرف، احمد، ۱۳۶۹، فونکسیونالیسم، نامه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، دوره اول، شماره یک.
- ۳- الیاسی، حمید، ۱۳۶۸، واقعیات توسعه نیافتگی، انتشارات انتشار، تهران.
- ۴- بهفروز، فاطمه، ۱۳۶۸، روند تکاملی مطالعات جغرافیایی استقرارگاه‌های روستایی نوین در قالب دیدگاه‌های
- ۵- انسانی - محیطی و ناحیه‌ای، رشد آموزش جغرافیا، شماره ۱۷ و ۱۸.
- ۶- بهفروز، فاطمه، ۱۳۷۴، زمینه‌های غالب در جغرافیای انسانی، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۷- بهفروز، فاطمه، ۱۳۷۸، فلسفه روانشناسی تحقیق علمی در جغرافیا، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۸- تنهایی، حسین ابوالحسن، ۱۳۷۹، مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، انتشارات نی نگار، مشهد.
- ۹- توانا، حسن ضیاء، ۱۳۶۹، نگاهی کوتاه به روستا و مکانیزم تحول آن در ایران، رشد آموزش جغرافیا، شماره ۲۴.
- ۱۰- توسلی، غلامعباس، ۱۳۷۰، نظریه‌های جامعه‌شناسی، انتشارات سمت، تهران.
- ۱۱- دولفوس، اولیویه، ۱۳۷۳، تحلیل جغرافیایی، ترجمه سیروس سهامی، نشر نیکا، مشهد.
- ۱۲- ریترز، جورج، ۱۳۷۹، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، تهران.
- ۱۳- سعیدی، عباس، ۱۳۷۷، مبانی جغرافیای روستایی، انتشارات سمت، تهران.
۱۳. شافر، فرانتس، ۱۳۶۸، درباره مفهوم جغرافیای اجتماعی، ترجمه عباس سعیدی، رشد آموزش جغرافیا شماره ۱۸.
- ۱۴- شبلینگ، ژاک، ۱۳۷۷، جغرافیا چیست، ترجمه سیروس سهامی، انتشارات محقق، مشهد.
- ۱۵- شکویی، حسین، ۱۳۷۷، جغرافیای کار بردی و مکتب‌های جغرافیایی، آستان قدس رضوی.
- ۱۶- فرشاد، مهدی، ۱۳۶۲، نگرش سیستمی، انتشارات امیر کبیر، تهران.
- ۱۷- فرید، یدالله، ۱۳۶۸، جغرافیای و شهرشناسی، دانشگاه تبریز.
- ۱۸- گورویچ، ژرژ و دیگران، ۱۳۴۷، طرح مسایل جامعه‌شناسی امروز، ترجمه عبدالحسین نیک گهر.
- ۱۹- مشاورین D.H.V از هلند، ۱۳۷۱، رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی مراکز روستایی، ترجمه ابوطالب فنایی و دیگران، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهاد سازندگی، تهران.
- ۲۰- وثوقی، منصور، ۱۳۶۹، فونکسیونالیسم و تغییر اجتماعی، ویژه‌نامه علوم اجتماعی شماره یک، زمستان ۶۹ دانشگاه تهران.
- ۲۱- هادیانی، زهره، ۱۳۷۸، درآمدی بر ساختارشناسی و کارکردشناسی جغرافیایی سکونتگاه‌های روستایی، رشد آموزش جغرافیا شماره ۵۱، ۵۲، ۵۳.
- ۲۲- هندراس . ه، ۱۳۴۹، مبانی جامعه‌شناسی ترجمه باقر پرهام، انتشارات امیرکبیر.



پښتونستان ښار، پوهنتون جامع علوم انساني او مطالعات فرېنجي
پرتال جامع علوم انساني